

# بهاء اللّٰه

بنیانگذار و الهام بخش مدنیت  
جدید جهانی

جمشید فنائیان

**"Bahá'u'lláh The Inspirer and  
Founder of a New World Civilization"**

Written by

**Jamshid Fanaian**

Cover design by Mariya Beale

ISBN 1 875598 09 X

Copyright © 1995 Jamshid Fanaian

Approved by the National Spiritual Assembly  
of the Bahá'ís of Australia Incorporated

Published by

Century Press Pty. Ltd.  
P.O.Box 1309  
Bundoora, Victoria 3083  
Australia

بیش از یک صد سال پیش (۱۸۹۲ - ۱۸۱۷ میلادی) انسانی  
والا در این کره خاک می‌زیست که با صدائی رسا ندای  
به تاسیس نظمی جدید و جهانی بر اساس صلح عمومی،  
اتحاد و یکپارچگی عالم انسانی و عدالت الهی را بلند  
کرد و به پادشاهان و امپراطوران دنیا، به رهبران  
مذهبی همه ادیان و به عالم بشریت بطور عموم اعلان  
فرمود که عالم انسانی در آستانه ورود به دوره‌ای  
جدید و درخشان در تاریخ بشری است - دوره‌ای با  
استعداد عظیم برای ترقی مادی و معنوی. او خود را  
واسطه اصلی ایصال فیض الهی و عامل و محرک حلول دور  
جدید معرفی فرمود زیرا آن توان را داشت تا برای  
آغاز این دور پر جلال که قرون متمادی جزو آرزوها و  
آمال بشر در سیر تکامل جامعه انسانی بشمار می‌رفت  
نیروهای درونی در وجود آدمی را برانگیزد و قوای  
بالتقوه روحانی را در جهت تحقق آن بیدار و بسیج  
نماید و در برابر دیدگان بشر مایوس، دور نمایی بدیع  
مفتوح فرماید - دورنمایی با شکوه و زیبا. و به  
انسان‌ها این بشارت و اطمینان را داد که مقدر شده  
عصری طلایی از افق تاریخ بشری طلوع کند. عصری که  
هیچ فکری نمی‌تواند شکوهمندی و جلال آن را ترسیم  
نماید، هیچ مغزی نمی‌تواند امکانات آن را برآورد  
کند و هیچ قلمی قادر نخواهد بود برکات آن را تصویر  
نماید او خود را حامل پیامی تازه برای فرد فرد  
ابناء انسانی در این سیاره خاکی معرفی فرمود.

نام مبارکش بهاءالله بود که بمعنای نور الهی و جلال خدایی است. وی از اخلاف دودمان ساسانیان و فرزند وزیر دربار قاجاریان بوده. در خاندانی ثروتمند با آسایش و تجملات بزرگ شد و وارث ثروتی عظیم و باورنکردنی گردید ولی در راه ابلاغ تعالیم جدید و هدایت بشر به عصر نوین دچار مخالفت‌ها، سختی‌ها و رنج‌های فراوان گردید، آنچنان صدماتی که قلم از تشریح آن عاجز و زبان از توضیح آن قاصر است. در پایتخت ایران در زندانی ظلمت بار و پر تعفن و لجنبار که زمانی خزینه یک حمام قدیمی بوده دچار شکنجه و آزار گردید. در آن سیاه چال وحشتناک پاهایش در فلک بسته شد و زنجیر معروف قره گهر که در سراسر ایران حتی اسمش وحشت‌آور بود، مدت چهار ماه بر گردنش انداخته شد.

سرانجام بنحوی مجزّه‌آسا از زندان آزاد گردید ولی سلطان ایران دستور داد که در عرض یک ماه خاک مملکت ایران را ترک گوید. خانه‌اش غارت شد و همه مایملکش مصادره گردیده و به یغما رفت. در زمستان زمهریر در حالیکه ۳۶ سال بیشتر از عمرش نمی‌گذشت با همسر جوانش که وزیرزاده بود و پسر نه ساله و دختر هفت ساله و چند تن از منسوبین وطن مالوف را ترک گفت و هرگز نتوانست به زادگاهش مراجعت کند. این کاروان تبعید شدگان در آن زمستان سخت و بطور بی سابقه سرد از گردنه معروف اسدآباد واقع در غرب ایران که پوشیده از برف‌های سنگین بود، عبور کردند. لباس کافی برای

پوشش خود نداشتند زیرا همه ثروت هنگفت آنان به یغما رفته و مصادره شده بود. در مناجاتی که حضرت بهاءالله در همان ایام نازل فرمودند به سختی‌های جس سیاه چال و مشکلات مسافرت اشاره می‌نمایند،

«یا الهی و سیدی و رجائی ... مقرر داشتی بر او بلایا و محن را بحیثیتی که وصف آن بیجان نیاید و در صفحات الواح نگنجد. گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غل‌های محکم بستی و بدنی را که به لباس حریر و دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلت جس مقرر داشتی ... بسا شبها که از گرانی غل و زنجیر آسوده نبودم و چه روزها که از صدمات ایدی و السن آرام نگرفتم ... تا آنکه عاقبت حکم قضا نازل شد و امر امضاء بخروج این بنده از ایران در رسید با جمعی از عباد ضعیف و اطفال صغیر در این هنگام که از شدت برودت امکان تکلم ندارد و از کثرت یخ و برف قدرت بر حرکت نیست! « ۱

بدین ترتیب راهی دیار غربت گردید و بقیه عمر را در تبعید و زندان بسر برد. چهار بار از دیاری به دیار دیگر سرگون گردید و سرانجام به قلعه محصنه عکا در اراضی مقدسه "فلسطین" فرستاده شد. دوبار مسموم گردید و در نوبت دوم اثر سم مهلک خطرناک بقدری شدید بود که هیچکس به ادامه حیات حضرتش امید نداشت ولی همه این رنج‌ها و صدمات و نیز خطراتی که حیاتش را تهدید می‌کرد نتوانست امیدش را به یاس بدل نماید و شعله عشق

و اشتیاقش را برای تاسیس تمدن جدید که اساس آن را فراهم آورده و خطوط اصلی آن را ترسیم کرده بود، فرو نشاند و از تملو دورنمای مدنیت بدیع بکااهد.

در چنین شرایطی حضرت بهاء الله سران دول و روسای ادیان را مورد خطاب قرار داده پیام ملکوتی و رسالت الهی خود را با لحنی خدانی و اقتداری حیرت‌آور به آنان ابلاغ نمود. لوح خطاب به ناپلئون سوم، امپراطور فرانسه، لوح خطاب به الکساندر دوم، امپراطور روسیه، لوح خطاب به ویکتوریا، ملکه امپراطوری بریتانیا، لوح خطاب به عبدالعزیز، امپراطور عثمانی و خلیفه اسلامی، لوح خطاب به ناصرالدین‌شاه، پادشاه ایران، لوح خطاب به پی نهم، رهبر کاتولیک‌های جهان، به آنان تسلیم گردید و نیز بیاناتی خطاب به ویلهم اول، امپراطور آلمان، خطاب به فرانوا جوزف، امپراطور اتریش و مجارستان و نیز خطاب به روسای ممالک آمریکا در کتاب اقدس نازل گردید. و در کتابی دیگر پادشاهان و روسای جهان و نیز فلاسفه و حکمای دنیا را بطور دسته جمعی مورد خطاب قرار داد و در جمیع این الواح عظیم و خطابات مهیمن آنان را به پیام ربانی و رسالت یزدانی در این مقطع تاریخ تکامل بشری دعوت کرد و در مواردی غرور و خودخواهی آنان را برملا نمود و عواقب شوم عدم اعتنا به رسالت آن مظهر کبریاء را اخطار کرد.

بهاء الله در هیچ مدرسه‌ای داخل نشد و نزد کسی درس

نخواند و در لوحی که به پادشاه ایران تسلیم گردید  
 از سلطان ایران خواست تا تحقیق بعمل آورد که حضرتش  
 در کدامین مدرسه درس خوانده و نزد چه کسی تعلیم  
 آموخته. منظور آن بود تا پادشاه براین نکته واقف و  
 آگاه گردد که علم وی علم الهی است نه علم اکتسابی  
 و حضرتش واسطه ایصال فیض الهی و ظهور جدید یزدانی  
 است. خطاب به پادشاه می نویسد: «یا سلطان... مَرَّتْ  
 عَلَيَّ نَسَائِمُ الشُّبْحَانِ وَ عَلَّمَنِي عِلْمَ مَاكَانَ لَيْسَ هَذَا مِنْ  
 عِنْدِي بَلْ مِنْ لَدُنْ عَزِيزِ عَلِيمٍ وَ أَمَرَنِي بِالْإِنْدَاءِ بَيْنَ الْأَرْضِ  
 وَ السَّمَاءِ بِذَلِكَ وَرَدَّ عَلَيَّ مَا تَدْرَفَتْ بِهِ عِيُونُ الْعَارِفِينَ  
 مَا قَرَأْتُ مَا عِنْدَ النَّاسِ مِنَ الْعُلُومِ وَ مَا دَخَلْتُ الْمَدَارِسَ  
 فَاسَلُ الْمَدِينَةَ الَّتِي كُنْتُ فِيهَا.»<sup>۲۸</sup> مضمون بیان مبارک به فارسی  
 اینست: «ای پادشاه... نسایم الهی بر من مرور نمود و  
 همه علوم را بمن آموخت. این کلمات از من نیست بلکه  
 از پروردگار داننده و قدرتمند است و مرا به ندا بین  
 زمین و آسمان امر فرمود و بدین ترتیب بر من وارد شد.  
 آنچه که باعث گردید تا اشک های عارفان جاری گردد. از  
 علوم متداول در نزد مردم چیزی نیاموخته ام و در  
 مدرسه ای داخل نشده ام از مردم شهری که در آن زیسته ام  
 این موضوع را تحقیق نما...» حضرت بهاءالله برنظام کهنه  
 و فرسوده که براساس بیگانگی، دشمنی، استعمار، مادیات  
 پرستی، بیعدالتی و نژادپرستی است خط بطلان کشید و آن  
 را معیوب و نارسا خواند زیرا بوضوح می دید که نظم کهن  
 بالمال به آشفستگی، پریشانی و اضمحلال منتهی خواهد شد.

می‌فرمایند، « فی الحقیقه اریاح یاس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزیید آثار هرج و مرج مشاهده می‌شود چه که اسبابی که حال موجود است بنظر موافق نمی‌آید. ۳»  
و پیشگویی فرمودند که جریان گرایش مادی که از خصوصیات بارز تمدن و نظام ناپایدار کنونی است به مرحله انفجار خواهد رسید و از بطن مادیت افراطی چیزی زائیده خواهد شد که دنیا را بوحشت و هراس خواهد انداخت و با این کلمات انداز آمییز اخطار فرمود که،

« ... و اذا تمّ المیقات یظهر بغتة ما یرتعد به فرائض العالم... ۴» یعنی "وقتی میقات آن فرارسید ناگهان چیزی ظاهر خواهد شد که ارکان عالم را خواهد لرزاند." حضرت بهاءالله فروریختگی و از هم پاشیدگی نظام کهن را پیش‌بینی کرد و تولد نظامی جدید و جهانی را پیشگویی فرموده: «زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد. ان ربک لهوالحق علام الغیوب» (یعنی بدرستی که پروردگار تو حق است و بر امور غیب آگاه و دانا است) ۵. حضرت بهاءالله با این بیان مهیمن و مهم خطوط اصلی تاریخ عصر جدید را ترسیم نمود. خصوصیات زمان حاضر که نسل‌های اخیر آن را تجربه میکنند را در دو جریان سیال مشخص نمود، اول مرگ سیستم میرنده و پوسیده، دوم ولادت نظامی جامع، نوین و پویا. فروریختگی نظامات فرسوده جزو تجربیات روزمره ابناء انسانی است و هیچ توقف و تخفیفی



در این جریان بنظر نمی‌رسد. دو جنگ جهانی دنیا را تکان داده است و حال ما شاهد از هم پاشیدگی بلوک شرق هستیم و هیچ تضمینی وجود ندارد که شاهد درهم ریختگی و پریشانی بلوک غرب نباشیم.

دنیا در معرض خطر یک تشنج عظیم عمومی است که رفته رفته پدیدار می‌گردد زیرا سیستم‌های بر پایه استعمار سیاسی و اقتصادی، ارزش‌های پوسیده مادی، روش‌های بی‌قدر و آبروی سلطه‌جو، زمینه‌های خود را از دست می‌دهند. زمان عدل الهی فرارسیده است. همه نظامات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید خود را با موازین عدالت یزدانی تطبیق دهند در غیر این صورت فرو خواهند ریخت و به آشفتگی، اغتشاش و انقلاب منجر خواهند شد و پی آمد آن رنج‌های جسمی و روحی خواهد بود. حضرت بهاءالله به سران دنیا و مردم جهان اخطار نمودند که عدالت ملکوتی را امری جدی در نظر گیرند و از آن انحراف نجویند و الا این دوره انتقال از سیستم‌های استبدادی و استعمار طلب میرنده به نظم بدیع معنوی آینده با درد و رنج فراوان ملازم خواهد بود. حضرت بهاءالله با لحنی قاطع می‌فرمایند: « ان ارتقبوا یاقوم ایام العدل و انها قذات بالحق ایاکم ان تحتجبوا منها ... » مضمون بیانشان بفارسی اینست: « ای قوم، در انتظار یوم عدالت الهی باشید زیرا ساعت موعود فرارسیده است. مبدا اهمیت آن را متوجه نشوید. » این کلمات نبوت‌آمیز

بر گوش‌های ناشنوا تاثیری نداشت و در نتیجه عالم در چنگال سختی‌ها و مشقت‌های فراوان گرفتار گردید. و اگر تغییرات لازم صورت نپذیرد ابناء انسانی و عالم بشری همچنان دردمند و پریشان خواهند بود. با وجود این حضرت به‌عالم همه اهل دنیا را دعوت می‌کنند که از بی تفاوتی، ضعف و نومیدی پرهیز کنند و برای اصلاح جامعه و تأمین خیر خود و هموعان خویش صمیمانه همت ورزند و قدم‌های مثبت و سازنده بردارند. چنانکه می‌فرمایند: «کمر همت را محکم نمائید شاید بندگان از اسیری فارغ شوند و به آزادی رسند. امروز ناله عدل بلند و حنین انصاف مرتفع. دود تیره ستم عالم و امم را احاطه نموده. ۷»

پیام حضرت به‌عالم نه تنها حاوی خطاری شدید بلکه در عین حال منادی بشارتی عظیم نیز می‌باشد زیرا نوید می‌دهد که نظم جدید و جهانی در حال تولد است و مدنیته بدیع و معنوی در آستانه‌ی شکوفایی. نیروهای خلاقه که از دو ظهور متعاقب الهی افراغ شده بر هویت عالم وجود تأثیر کرده و به گیتی استعدادی تازه بخشیده «گیتی بانوار نیر ظهور منور ... عالم بنور جدید و روح بدیع فائز گشت» ۸ و در نتیجه سیر تکامل جوامع بشری جهشی بی سابقه بخود گرفته است و هم اکنون نخستین بوارق طلوع عصری جدید از افق تاریخ رفته رفته نمودار می‌گردد هر چند احتمال می‌رود اکثر مردم دنیا بر این نکته مهم هنوز واقف و آگاه نباشند.

تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که هر وقت عالم انسانی وارد دوره‌ای بدیع و مرحله‌ای جدید در سیر تکامل روحانی خود می‌گردد، ده‌ها بل صدها سال طول می‌کشد تا قاطبه مردم از این تغییر و تحول مطلع و آگاه گردند. حضرت بهاءالله می‌فرماید: «قدهبت لواقع الفضل علی کل شیء بحیث حمل کل شیء علی ما هو علیه ان انتم انفسکم لاتحرمون ... و الانسان من المعانی و العرفان و الاکوان من تجلیات الرحمن و الارض من بدایع الظهور فسوف یضعن کل حمله فتبارک الله من هذا الفضل الذی احاط کل الاشیاء عماظهر و عماهوالمکنون»<sup>۹۸</sup>

مضمون بیان به فارسی چنین است: "لواقع فضل بر کل اشیاء وزیده بطوریکه همه مظلومات بحد قابلیت خود حامل قوای تازه و استعداداتی بی‌اندازه گشتند ولی با وجود این اقوام دنیا این فضل اعظم را انکار نموده‌اند... انسان بمواهب دانش و عرفان مفتخر گشته و عالم هستی محل تجلی رحمن قرار گرفته و کره ارض منبع بدایع ظهور الهی گردیده است. زود است کل، قوا و استعداد خود را ظاهر سازند. مبارک باد خداوند که فضلش عوالم غیب و شهود را احاطه نموده."\*

حضرت بهاءالله طرح یک جامعه جهانی را بوجود آوردند و هسته مرکزی این طرح وحدت عالم انسانی است که جمیع تعالیم بهانی طائف حول آن است. حضرت بهاءالله ندا به همبستگی و یکپارچگی عالم را با این کلمات عالیات بلند فرمودند: «ای دوستان سراپرده یگانگی بلند شد

بچشم بیگانگان یکدیگر را ببینید. همه بار یک دارید و برگ  
یک شاخسار<sup>۱۰۴</sup>. این بیان صرفاً "ابراز یک امید زاهدانه  
یا اعلان یک ایده آل برای جامعه نیست بلکه حاکی از  
آنست که عالم بشری به نقطه کمال حیات جمعی در این  
سیاره خاکی نزدیک می‌گردد و مبین وجدان عصر جدید است  
و بنحوی تهورآمیز ابناء انسانی را به ابراز شجاعتی  
عظیم می‌خواند تا خود را از تعصبات پیشین تطهیر  
نمایند و از تنگ‌نظری‌ها خلاصی بخشند و زنجیر معتقدات و  
افکار کهنه و فرسوده که در بند آن گرفتارند، بگسلند  
و دورنمای پر شکوه دنیای آینده را ببینند که این  
مرحله غایی در تکامل عالم انسانی بسرعت نزدیک می‌گردد  
و این اطمینان و ایمان را پیدا کنند که تحقق اتحاد  
جهانی حتمی و اجتناب ناپذیر است و از نتایج تاثیرات  
قوه الهی است که در این عصر نورانی تولد یافته است -  
قوای اسرارآمیزی که جمیع موانع سنتی را از سر راه  
تحقق وحدت عالم انسانی رفته و سترده می‌کنند.

پیام بهاءالله نه تنها در جهت تکامل و پرورش کمالات  
افراد است بلکه اساساً توجه به ساختمان اجتماع و  
تار و پود نظام دنیا دارد و هر دیواری که بنام  
ملیت، نژاد و عقیده سبب جدائی ابناء انسانی گردیده  
را از میان برمی‌دارد و همه ملل و اجناس دنیا را  
بصورت یک خانواده انسانی با یکدیگر متحد می‌سازد.  
حصول این اتحاد جهانی تغییری پر برکت بهمراه خواهد  
داشت و مقدر است عالم انسانی آن را تجربه کند و

عملی سازد. نور اتحاد ظلمت جنگ، اختلاف و نفرت که چهره‌ی کره ارض را در همه دوره تاریخ مکتوب بشر آلوده و تیره‌گون ساخته، منهزم می‌سازد. حضرت به‌عقل نه تنها تعالیمی به جهان آوردند که الهام بخش اتحاد و اتفاق اهل عالم است، بلکه نظامی خلق کردند که می‌تواند این حقیقت اساسی و اثرات نیکوی آن را مجسم و مخلد سازد.

حضرت به‌عقل تعالیم دادند که همه ادیان مهم جهان سطوح و نمای مختلف یک حقیقت مرکزی و واحد هستند و این نکته را روشن ساختند که همه بنیانگذاران ادیان مختلف دنیا « هیاکل قدسیه مرایای اولیه ازلیه هستند که حکایت نموده اند از غیب الغیوب ... » و برای نخستین بار اعلان فرمودند که حقایق مذهبی مطابق با استعداد ابناء انسانی و درجات تکامل جامعه بشری بر آنان ارزانی می‌شود از اینرو ظهورات الهی مستمر و رو به تکامل است و نیز سهم هر یک از ادیان را در تربیت افراد بشری و پیشرفت تمدن انسانی بطور کامل تقدیر و احصاء نمودند و ارتباط ذاتی آنها را بحد کافی مدلل و مشخص فرمودند و این نکته را مکشوف ساختند که ظهورات الهی مراحل تدریجی شکوفایی یک نقشه عظیم ملکوتی است و اعلان فرمودند که همه ادیان پیشین به ثمره نهانی خود خواهند رسید و پیش بینی فرمودند که زمان تلفیق و یکپارچگی ادیان دنیا در پرتو ظهور جدید بسرعت نزدیک می‌گردد.

حضرت بهاءالله تعلیم دادند که زنان و مردان با یکدیگر مساوی هستند و زنان باید از امکانات مساوی برای کسب دانش و احراز مقامات اجتماعی برخوردار گردند و مهمتر آنکه براین نکته تأکید کردند که خصوصیات طبقه بانوان که در طی هزاران سال بی‌اهمیت و حتی مورد تحقیر بوده است می‌تواند سهمی ارزشمند در تجدید بنای عالم انسانی ایفا نماید. خصوصیات زنان نظیر حس مراقبت، شفقت، فراست، غریزه مادری و عشق و محبت در تاسیس صلح جهانی و حل دائمی مشکل محیط زیست سهمی عظیم و نقشی حیاتی ایفا خواهد کرد. خصوصیات زنان بیشتر مناسب و متناسب دوره‌ایست که عالم انسانی در آستانه ورود آنست یعنی عصر صلح، اتحاد و دوستی. علل تفوق مردان بر زنان رفته رفته زمینه‌ی خود را از دست می‌دهد زیرا در آینده جوامع بشری به قوه زور و عنف اداره نمی‌شود و دنیا در جنگ و کشاکش نیست که در این شرایط رجال مرد میدان گردند و در نتیجه قهرمان، رهبر و پیشوا شوند، « حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است و اکنون هشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است و باین مناسبت عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صلابت مردان یا اگر بخواهیم روشنتر و صحیح‌تر بگوئیم عصری خواهد بود که در آن دو عنصر مرد و زن در ایجاد تعادل و هم‌آهنگی در

مدنیت بطور یکسان موثر خواهد بود.» ۱۲

حضرت بهاءالله بین علم و دین آشتی دادند و اختلاف موجود بین برخی از اهل علم و طرفداران دین را برای همیشه مرتفع ساختند و اعلان فرمودند که «حقیقت» یکی است. دین و علم هر دو در جستجوی حقیقت هستند پس باید با هم همگام و هم آهنگ باشند. علم و دین بمنزله دو جناح برای پرواز و ترقی عالم انسانی هستند وقتی این دو بال با یکدیگر همپراز و همپرواز گردند آنگاه عالم بشری پیشرفتی عظیم و سالم خواهد نمود. استعداد های روحانی و عقلانی ابناء انسانی با هم آهنگی شکوفا می شوند و ممد و موید یکدیگر خواهند بود و دیگر علم به معلومات خشک، سرد و بیروح مکانیکی منتهی نخواهد شد و از نشاط روحی، طیران معنوی و شور و جذبه علویت روحانی محروم نخواهد شد و دین نیز دیگر در گودال عقاید خرافی، بی تحرک و قشری سقوط نخواهد کرده. علم و دین دست به دست یکدیگر لایتهای ها را جستجو خواهند کرد و در راه وصول به خدا با هم گام برخواهند داشت. این بیان حضرت بهاءالله با تفکرات علمی سازگار است. «اتحاد به معنای واقعی کلمه آنست که خدا را محیی و مهیمن بر کل اشیاء بشناسید و عالم را محل ظهور و بروز آن قوه درک کنید» (ترجمه) ۱۳ یک دانشمند این رمز لطیف را درک می کند که جهان هستی پر اسرارتر از آنست که در حیطه فکر انسان در آید و یک متدین مذهبی این نکته را درمی یابد که هر ذره از ذرات عالم حقایق

بیشمار علمی در خود مکنون دارد. در عصر جدید که حضرت بهاءالله بنیانگذار آن بشمار می‌روند علم برای پیشرفت جامعه بشری برکات خود را ارزانی می‌دارد و دین برای ترقیات عالم انسانی در مسیر انسان، انوار آسمانی خود را می‌پاشد. هوش ابناء انسانی که از فیوضات قدسی ملکوتی نشه جدید یافته در عالم علم به چنان شگفتی‌ها دست خواهد یافت که هیچ مغزی نمی‌تواند آن را تصور و احصا کند و روح آدمی که از الهامات ظهور جدید الهی نیرو و حیات تازه گرفته به چنان درجات ترقی روحانی رسد که هیچکس نمی‌تواند آن طیران روحانی را تخطر نماید.

حضرت بهاءالله ماهیت، مقصد و موقعیت عرفان و تصوف را در قلمرو دیانت معلوم و مشخص ساختند و از ارزش و اعتبار سیر و سلوک برای وصول به حقیقت ازلی در ورای عالم هستی نکاستند بلکه در مسیر سالک راه، چراغ راهنما برگرفتند تا بمدد آن راه خود را بیابد و در دالان پر پیچ و خم در وادی‌های پر رموز و اسرار راه خود را گم نکند و در بیابان خرافات و تخیلات سرگردان نشود. و نیز این نکته را تشریح و بیان کردند که پرورش کمالات روحانی و سیر و سلوک عرفانی می‌تواند به یک مقصد واحد منتهی گردد و هر کس بایستد در سبیل خودشناسی و پرورش کمالات روحانی گام بردارد و نیز توضیح دادند که انسان ذروه کمال عالم جسمانی است و عوالم روحانی بالقوه در او مکنون و



پوشیده است. در انسان استعداد عقلانی، روحانی و الهی بالقوه موجود است و می‌تواند پرورش یابد و تجلی کند و این نکته را مبرهن ساختند که ابناء انسانی در جوهر خود حقیقت روحانی هستند و انسان معدن جواهرات پرارزش استعدادات بالقوه است و هر کس این امکان و موقعیت را دارد تا به کمالات لایتناهی در سطح و دایره خلقت خود دست یابد. انسان می‌تواند در خود کمالات ملکوتی را پرورش بخشیده منعکس نماید. در دنیای بهائی پرورش کمالات معنوی و سیر و سلوک عرفانی منحصر به دستجات مشخصی نخواهد بود بلکه جزو اهداف هر فرد انسانی قرار خواهد گرفت زیرا کسب روحانیت انسانها مرحله‌ای لازم و ضروری برای تحقق وحدت و اتحاد عالم بشری است.

یک نظام پویای اقتصادی جدید بر اساس عدالت، قسمتی از طرح جامع حضرت بهاء الله برای تاسیس مدنیتی برپایه ارزش‌های معنوی است. برای نخستین بار بنیانگذار یک دیانت جهانی قوانین، اصول و راهنمایی‌هایی را در نوشته‌های خود بوضوح بیان فرمودند که می‌تواند خالق و الهام‌بخش یک سیستم اقتصادی پویا با هدف تقسیم منصفانه ثروت در دنیایی باشد که بیعدالتی و استثمار آن را فاسد و زبون ساخته است. طرح و نظامی که مشخص کرده‌اند را نه می‌توان در رده نظام سرمایه‌داری بشمار آورد و نه در ردیف نظام سوسیالیستی محسوب داشت. هر چند سرمایه‌گذاری آزاد منع نشده است ولی

تقسیم عادلانه ثروت و تامین نیازهای اولیه افراد جامعه تضمین گشته است. هر کس حق دارد از ثمرات کوشش های خود از یک زندگی بهتر برخوردار گردد در دنیای بهایی فقر جایی ندارد و ثروت های هنگفت زمینه ای برای رشد نمی یابد.

مشکل اقتصادی یک مشکل مادی نیست و طبیعتاً جنبه روحانی دارد و تنها از طریق ارزش ها و انگیزه های معنوی قابل حل است زیرا نفس عدالت و تقسیم عادلانه ثروت جزو ارزش های روحانی محسوب می گردد. مرضی که نظام سیاسی و اقتصادی دنیا را فلج کرده همان عدم محبت و انسان دوستی است. آن محبت الهی و الهامات معنوی که از طریق ظهور جدید بر هیکل عالم انسانی دمیده شده است بالمال به معالجه این بیماری موفق خواهد شد. آئین بهاء الله بمنزله قلب پر عاطفه در دنیای بدون عواطف روحانی است. تعالیمش انگیزه و نیروی محرکه ای است که به تاسیس نظامی اقتصادی و پویا براساس عدالت الهی توفیق خواهد یافت. مشکل اقتصادی را نمی توان بصورت یک مساله جدا و مجزا از دیگر مسایل حل و فصل نمود زیرا مساله اقتصاد به مساله صلح جهانی که بنوبه خود یک عنصر درونی بافت سیاست جهانی محسوب می شود، ارتباط ذاتی دارد. بدین ترتیب می توان گفت که بررسی و حل همه جانبه و جهانی مشکلات دنیا از خصوصیات بارز پیام شفابخش حضرت بهاء الله برای درمان جامعه ای دردمند محسوب می شود.

حضرت بهاء الله تعلیم صلح عمومی را بعنوان یک اصل تغییرناپذیر در قالب نظم جدید جهانی منظور فرمودند. صلح عمومی که بهاء الله طرح آن را ریخته بیان یک نوع آمال و آرزو نیست بلکه مرحله‌ای در سیر تکامل اجتماعی بر روی این سیاره خاکی بشمار می‌رود که تحقق آن سرعت نزدیک می‌شود وی شرایط لازم برای تاسیس چنین صلحی را فراهم آوردند و این اطمینان را به ابناء انسان دادند که تحقق صلح عمومی یک مرحله اجتناب ناپذیر و پرخیر و برکت در حیات جمعی انسان‌هاست. می‌فرمایند: «... این اختلافات بی ثمر و این جنگهای مخرب منتهی خواهد شد و صلح اعظم چهره خواهد نمود...» (ترجمه) ۱۴

بنابراین صلح عمومی تخیل و رویا نیست بلکه واقعیتی است که باید جامه عمل پوشد و چهره بکشاید. هنگام طلوع دور پر شکوهی که هزاران سال انتظارش می‌رفت سرانجام فرا رسیده و تحقق صلح بزرگ و دائمی در دسترس ملت‌ها قرار گرفته است آن بهشت موعود که انبیا دورنمای آن را می‌دیدند و شعرا قرن‌ها در آرزوی آن سرود و اشعار انشاء می‌نمودند، جلوه کرده و هنگام تحقق مواعید الهی که در کتب آسمانی آمده فرا رسیده است. این مرحله‌ایست که بنی آدم باید بر آن گام نهد و راه دیگری وجود ندارد. یا انسانها با تلاش جمعی و اراده‌ای سازنده بدین آرزوی دیرین دست خواهند یافت یا آنکه وقوعات هولناک را تجربه خواهند کرد و آنگاه سر خود را از خاکسترها و مخروبه‌ها بلند نموده و

مصمم خواهند شد که دنیایی پر از صلح و صفا براساس اصول الهی بنا نمایند. این بستگی به خلوص نیت زمامداران سیاسی، هوشیاری رهبران مذهبی و آگاهی توده‌های مردم دارد. البته طرح عظیم حضرت بهاء الله برای تحقق عصر طلایی از حدود صلح سیاسی بمعنای پایان دادن به جنگ‌ها فراتر می‌رود.

آن صلح اعظمی که مورد نظر حضرت بهاء الله است مولود روحانی شدن کل عالم انسانی و ترکیب و تلفیق همه اجناس، ملل و مذاهب در قالب یک جامعه جهانی می‌باشد. بعنوان بخشی از طرح عمومی پیش‌بینی فرمودند که «لابد بر اینست مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند و آن اینست که دول عظیمه برای آسایش عالم بصلح محکم متشبث شوند ... در این صورت عالم محتاج مهمات حریبه و صفوف عسکریه نبوده و نیست.» ۱۵

آن صخره محکمی که کاخ صلح دائمی می‌تواند بر آن بنا و استوار گردد عدالت الهی است زیرا استثمار اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی بعضی ممالک که بر اساس تولید و فروش اسلحه‌های مرگبار است و همچنین رفاه و آسایش برخی کشورها که به قیمت بدبختی‌های ملت‌های فقیر جهان تامین می‌گردد صلح و ایمنی دنیا را بخطر می‌افکند. در واقع ندای حضرت بهاءالله صدائی رسا و جانفزا برای برقراری حق و عدالت در عالم است.

حضرت بهاءالله نقش تعلیم و تربیت را در فراهم

آوردن اساس مدنیت جدید روحانی و جهانی مورد تاکید قرار دادند و آموزش عمومی را بخشی از نقشه عظیم برای نجات عالم مقرر داشتند بدین معنی که همه ساکنان دنیا باید بدون استثنا باسواد شوند و برنامه درسی واحد پیشنهاد شود تا با داشتن آرمان مشترک و اهداف متحد علقه مودت بین ابناء انسان استحکام یابد. پرورش شخصیت روحانی و رشد کمالات اخلاقی باید بعنوان بخشی از برنامه‌های آموزش و پرورش منظور گردد. در آن صورت مشکل بزهکاری نوجوانان، اعتیاد به موادمخدر، تجاوز جنسی و غیره بعنوان علائم بیماری و نه بصورت اتفاقات مکرر و تکان دهنده شناخته خواهد شد.

تحصیلات نباید فقط به تعلیم برخی تخصص‌ها و آموزش بعضی معلومات منحصر گردد بلکه باید ارزش‌های معنوی با روش‌های علمی در جمیع مدارس در سراسر عالم تدریس شود. حضرت بهاءالله این نکته را روشن فرمودند که منظور ایشان از تربیت روحانی اطفال القاء خرافات مذهبی و عقاید قشری نیست. انسان طبیعتاً موجودی روحانی است و وقتی این بخش پرورش یافته تکامل پذیرد آن وقت انسان از نظر روحی و جسمی سالمتر خواهد بود. بعلاوه وقتی انسان به درجات عالی روحانیت ارتقا یابد نسبت به هموعان خود بطور خودانگیزه علاقه و محبتی خالصانه و پیوندی عمیق احساس می‌کند. هر چه شخص بیشتر روحانی شود خود را بیشتر عضو خانواده بشری احساس می‌کند و دنیا را یک خانه مشترک می‌بیند

که همه انسان ها در آن سهمی دارند. از این گذشته بوضوح درک می کند که همه موجودات با هم ارتباطی معنوی دارند و بین خالق و مخلوق پیوند محبت وجود دارد. با تعلیم و تربیت می توان محبت ابناء انسانی را صرفنظر از نژاد، ملیت و عقیده در قلوب نوباوگان و نونهالان القانمود.

رشد روحانی باعث انضباط فکر، تمرکز ذهن و تیزی وحدت هوش می گردد. پس فراگیری بیشتر می تواند در مدتی کوتاه تر صورت پذیرد. حضرت بهاءالله در وجود انسانها استعدادات و قابلیت عظیمی می بیند. «انسان طلسم اعظم است ولکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده. «مقصد از آموزش و پرورش نباید صرفاً انتقال مقداری معلومات اکتسابی به دانش آموز و دانشجو باشد و او را فقط برای کار و استخدام مجهز و آماده کند بلکه علاوه بر آن هدف تعلیم و تربیت باید فراهم آوردن شرایط و ایجاد محیطی باشد که در آن جو استعداد درونی و قابلیت باطنی فرد پرورش یابد و تجلی کند. در آن صورت قوای خلاقه انسان رشد خواهد نمود و استعداداتی نظیر الهام هنری و علم لدنی پرورش خواهد یافت و این بیداری قوای خلاقه مکنون در وجود آدمی باعث پیشرفت های حیرت آور در علم و هنر خواهد شد. حضرت بهاءالله خود براین نکته مهم گواهی می دهند: «الیوم مقامات عنایات الهی مستور است چه که عرصه وجود استعداد ظهور آن را نداشته و

ندارد و لکن سوف يظهر امرأ من عنده « ۷۷ یعنی، عنقریب  
قابلیات مکنون این عنایت عظیم الهی به امر یزدانی بر  
عالمیان متجلی و مکشوف خواهد گردید. »

حضرت بهاءالله برای روشن نمودن همه دنیا به نور پر  
فروغ اتحاد تلاش عظیمی آغاز کردند، از جمله فرمودند،  
« باید لغات منحصر بلغت واحده گردد و در مدارس عالم  
به آن تعلیم دهند. » ۷۸ بدین ترتیب تعلیم یک زبان بین  
المللی را در جمیع مدارس دنیا جزو یکی از اصول  
تعلیمات خود قرار دادند تا عالم به صورت یک خانواده  
در آید.

وجود یک وسیله مشترک مخابرات و مکالمات عاملی بزرگ  
برای بسط تفاهم، دوستی و محبت در بین ملل جهان  
خواهد بود و بزرگترین وسیله انتقال احساسات،  
افکار و دانش بشمار می رود و بمنزله کلیدی است که  
با آن می توان قلبها را گشود و درون آن را دید و  
آنگاه معلوم خواهد شد که موجودات انسانی در اعماق  
وجود خود از نظر عواطف و اندیشه و آمال خیلی نزدیکتر  
از آنند که در ظاهر بنظر می رسند زیرا مردم دنیا در  
حصار فرهنگهای مختلف با السنه متفاوت از یکدیگر  
یگانه شده اند. یک زبان بین المللی تجارت، معامله،  
مکالمه، مخابره و آموزش را تسهیل خواهد نمود و  
باعث ترقی و پیشرفت مردم دنیا خواهد شد.

تعالیم بهاءالله همه جنبه های حیات "انسان" روحانی  
و جسمانی، فردی و اجتماعی را در بر می گیرد از اینرو

حفظ صحت و سلامتی انسان را نیز مورد نظر دارد. حضرت بهاءالله بعنوان طبیب الهی دستورات مشخصی صادر فرموده‌اند که بسیاری از بیماریهای جسمی و روحی را ریشه کن خواهد کرد. از استعمال هر نوع مواد مخدر و مشروبات الکلی و نیز افراط در لذات جسمانی که ممکن است به صحت و سلامت روح، فکر و جسم انسان لطمه زند و یا آنرا ویران سازد، باید پرهیز کرد. برخی حالات و رویه‌های روحی نظیر حسادت، کینه، طمع و احساسات منفی نسبت به دیگر افراد و گروه‌های اجتماعی، نژادی و مذهبی به سلامت روح و جسم انسان صدمه می‌رساند و میتوان آنها را به احساسات مثبت مجبت، انقطاع، اتحاد تبدیل نمود و جنبه‌های نیکوی سایر نژادها، ملیت‌ها و عقاید را مورد تحسین قرار داد. این رویه و احساسات مثبت تاثیری شدید بر صحت و سلامت روح و حتی جسم انسان خواهد داشت.

و نیز توصیه شده است که انسان نوع خوراک خود را تغییر دهد و در خود میل به اغذیه و مشروباتی را پرورش بخشد که برای سلامتی انسان مفیدتر و سبب افزایش طول عمر آدمی میگردد. «غذای طبیعی ما چیزست که از زمین انبات شود.» ۱۹ و نیز پیشینی شده است که «وقتی خواهد آمد که دیگر گوشت تناول نشود» ۲۰ و همچنین امکان تغییر در روش مداوای بیماریها پیشگونی شده است که «... چون طب بدرجه کمال رسد باطعمه و اغذیه و فواکه و نباتات طیبه الراضه و میاه مختلفه



بارده و حازه و درجاتش معالجه خواهد شد. ۲۸  
محیط ناسالم اجتماعی، جو آلوده سیاسی و وضع فلاکت  
بار اقتصادی، جنگ و جدال، ظلم و ستم و تفاوت فاحش  
طبقات فقیر و ثروتمند باعث بیماریهای فردی و  
اجتماعی می‌گردد و بر سلامت جسم و روح تاثیر دارد.  
در واقع در حال حاضر هیکل عالم انسانی مریض است و  
در نتیجه هر عضو این هیکل دچار همان بیماری عمومی  
است. عالم بشر نیاز شدید به درمان دارد. حضرت  
بهاعالمه بعنوان طیب الهی شفا دهنده عالم انسانی  
هم از نظر جسمانی و هم از نظر روحانی است و  
تعلیمات بهاعالمه را می‌توان درمان قاطع امراض  
جاری اجتماعی و انفرادی بشمار آورده. بر اثر نیروهای  
نجات بخش الهی و عملکرد قوای اتحاد بخشی که از  
ظهور جدید افراغ شده یک محیط سالم سیاسی، اجتماعی،  
مذهبی و عاطفی پدیدار خواهد گردید. وسایل و  
امکانات متعددی که منجر به سلامت جسم، فکر و روح  
می‌گردد، فراهم آمده است.

از اینرو، در آینده سطح صحت عمومی بالا رفته  
بسیاری از بیماریهای متداول کاملاً از بین خواهد رفت.  
بیماری یک اتفاق غیرعادی در زندگی هر فردی بشمار  
خواهد رفت و میانگین عمر انسان بمراتب از حال حاضر  
بالاتر خواهد بود. عصر طلایی دور بهانی برکات عظیمی  
برای بشر ذخیره دارد. «همه غم‌ها به شادی و همه  
بیماریها به سلامتی تبدیل خواهد شد.» (ترجمه) ۲۹

در محدوده این نوشته تشریح عمق تعلیمات بهاءالله مقدور نیست از اینرو نمی‌توان تاثیر و اجرای عملی آنها را مستدل نمود و حقانیت و بدیع بودن آنها را ثابت کرده. صدها کتاب و رساله در تفصیل و توضیح تعلیم حضرت بهاءالله به رشته تحریر آمده و هر روز مقدار انتشارات و ادبیات بهایی در پیش از هشتصد (۸۰۰) السنه دنیا رو به افزایش است. بنابراین مقالات، رسالات و کتب کثیره جهت مطالعه جویندگان حقیقت وجود دارد و هر کس به آینده دنیای پرتلاطم می‌اندیشد و هر فردی که مشکلات عظیم مستولی بر عالم انسانی را بوضوح می‌بیند شاید آثار و تعلیم بهاءالله را در خور مطالعه و تحقیق بیابد و بر آن شود که توان آنها را در نوسازی دنیا مورد بررسی قرار دهد. کلمات حضرت بهاءالله به نسل سرخورده و سرگردان الهام و شهادت می‌بخشد و چشم‌اندازی از جهان درخشان فردا را ترسیم می‌نماید. حتی یکی از تاجداران دنیا بدین حقیقت گواهی می‌دهد. ماری، ملکه رومانی می‌نویسد: «تعلیم بهائی به قلب انسان امید می‌بخشد و برای روح آدمی آرامش می‌آورد. آنانی که در جستجوی اطمینان هستند کلمات پدر آسمانی به چشمه ای مانده است که انسان پس از سرگردانی در بیابان سوزان بدان دست یابد.» ۲۳

ملکه رومانی معتقد بود که تعلیمات بهاءالله ریشه خواهد دواند و بعلت قوای خلاقه و بهره‌مند بودن از حقیقت شکوفا خواهد شد. از اینرو اضافه می‌کند ".... آن

جوهر حقیقت ابدی که در هسته مرکزی این تعالیم آسمانی وجود دارد ریشه خواهد دواند و در دنیا انتشار خواهد یافت.

حضرت بهاءالله بیش از صد جلد کتاب نازل فرمودند البته این تعداد شامل آن نوشته‌هایی نیست که بدستور ایشان در رودخانه دجله ریخته شد زیرا او معتقد بود که نسل انسانی هنوز بدان درجه رشد معنوی نرسیده تا بتواند حقایق مندرج در آن آثار را دریافت کند. البته ناگفته نماند که ما هیچ اطلاعی نسبت به مضامین و حقایق مکنون در آن نوشته‌ها را نداریم. حضرت بهاءالله پس از نزول کتب متعدده شامل درهای حکمت‌های الهی می‌فرمایند: « شبنمی از ژرف دریای رحمت خود بر عالمیان مبدول داشتم و احدی را مقبل نیافتم ... » ۲۴ هر کلمه حضرت بهاءالله صفحات متعدد و برخی اوقات چندین مجلد کتاب جهت توضیح و تفصیل احتیاج دارد. همه سطوح و درجات معانی و حقایق مندرج در آثارش هیچوقت بطور کامل مکشوف و معلوم نخواهد شد و بشر فانی نمی‌تواند در عمق اقیانوس بیانات بی‌مثیل آن مظهر الهی تا آخرین حد ژرفای آن فرو رود. آثار نازله در این ظهور محتوی بذرهای مدنیتی بدیع و معنوی است که همه کره ارض را در برمی‌گیرد و هم اکنون جوانه‌های اولیه آن نمودار شده است.

خواننده این نوشته ممکن است تعایل بهمان نوع اهداف و آرمان‌هایی داشته باشد که بعنوان برخی از

تعلیمات به‌عالمه برای عصر جدید توصیف شد و اگر بعضی از آنها بدیع و تازه بنظر نیایند ولی باید این نکته را در نظر داشت که مطالبی که بیان شد فقط اشاراتی مختصر به بعضی از اصولی است که حضرت به‌عالمه تنها و بی‌یاور در بیش از یکصد سال پیش بعنوان روس اولیه برنامه الهی برای عصر جدید که در حال طلوع از افق تاریخ است، ابلاغ فرمود در حالیکه در قلمرو امپراطوری مقتدر عثمانی یک تبعیدی و زندانی محسوب می‌شد و ضمناً روسای مذهبی و مقامات دولتی و عامه مردم در موطن اصلی وی دست به دست هم داده بودند و برای قلع و قمع او و پیروانش قسم یاد کرده بودند و نیز سلاطین دنیا در نهان درصدد بودند انواری که از افق ظهور جدید اشراق کرده بود مستور و نابود سازند و شجره‌ای که مقدر بود بر ملل و طوائف عالم سایه گستر گردد، از ریشه براندازند. در چنین شرایطی آن منادی حق در کره ارض یک تنه بین زمین و آسمان ندای رسای خود را برای ورود بشر به دوره جدید بلند کرد و در نتیجه، آن مظلوم آفاق صدماتی را تحمل نمود که هیچ قلمی نمی‌تواند بطور شایسته آنها را تصویر نماید و تلخی رنج‌هایی را چشید که هیچ انسانی قادر نخواهد بود بطور کافی آنها را توصیف کند.

آنانی که با نوشته‌ها، ایده‌ها، آرمان‌ها و آرزوهای متفکرین برجسته و بنیانگذاران مکتب‌های جدید دنیا و نیز با آثار شاعران و نویسندگان و اهل دانش و بینش

آشنائی دارند ممکن است با این نظر موافقت کنند که هم اکنون بارقه‌های اولیه مدنیته بدیع و عصری جدید در ژرفای اندیشه‌ها و قلب‌های انسان‌های وارسته و خیرخواه عالم بشریت درخشیده است. هر روز کتب و رسالات جدید طبع و نشر می‌گردد و در زمینه‌های استقرار صلح در عالم، تحکیم همبستگی بین‌المللی، نجات کره زمین و بهبود محیط زیست، ایجاد یک سیستم سیاسی جهانی، شناسائی تساوی حقوق زن و مرد، رفع اختلافات مذهبی و از آن بالاتر ایجاد تفاهم بین ادیان مختلف، محکوم کردن تعصبات، رفع تبعیض نژادی، پیدایش یک جامعه سالم، یافتن روش‌های جدید معالجه درمان، یکسان نمودن واحد اندازه‌گیری و وزن و پول، کشف و پرورش استعداد درونی انسان برای دست یابی به نشاط روحانی، تزئید قوای خلاقه، گزینش یک زبان بین‌المللی، تاسیس یک سازمان کاملتر از سازمان ملل برای حفظ صلح، احیاء فرهنگ‌های بومی، جلوگیری از بهره‌کشی از انسان، دفاع از حقوق اقلیت‌ها و مردم رنج‌دیده بومی در نقاط مختلف دنیا نظرات و راه‌حل‌هایی را ارائه می‌کنند که همگی طلیعه تحول عظیم و بی‌سابقه‌ای است که دلالت بر آن دارد که دنیا در هیجان است زیرا روحی جدید بر هویت عالم وجود تاثیر شدید نموده و آن را بارور ساخته است. وجدانی تازه پدیدار شده و جوانه‌های اولیه تمدن جدید نمودار گشته که بالمال شکوفا خواهد شد. آنانی که بسوی عصر طلایی پیش

می‌روند اندر تلاشند تا زنجیرهای عقاید و افکار پوسیده دیرینه را بگسلند و خود را از قيود پیوندهای سنتی موسسات بی‌رسمق و عقاید قشری بی‌روح رهائی بخشند. آنانی که با آثار بهاءالله آشنائی عمیق دارند بین تعلیمات بهائی و آرمان‌های اندیشمندان پیشرفته و بنیانگذاران مکاتب تازه ارتباطی می‌بینند. پیروان حضرت بهاءالله بوضوح مشاهده می‌کنند آنچه که روزی منحصرًا بخشی از تعلیمات بهاءالله را تشکیل می‌داد حال هر کدام هدف و آرمان نهضتی در جهان قرار گرفته است. دنیا بدون آنکه از ظهور بهاءالله مطلع باشد برخی از تعالیم اجتماعی و انساندوستی وی را برگزیده و بعنوان علائم پیشرفت تمدن آنها را پیاده نموده است. کلمات حضرت بهاءالله بمنزله خمیر مایه‌ای بر افکار اندیشمندان پیشرو جهان در زمینه‌های مختلف تاثیر خود را اعمال می‌کند و آنها را بارور می‌سازد.

حضرت بهاءالله بعنوان مظهر ظهور جدید الهی و الهام بخش و بنیانگذار تمدنی بدیع و جهانی متحمل رنج‌های ناگفتنی شدند ولی با این وجود همه سختی‌ها، جبرها و تبعیدها را با نشاطی محیرالعقول پذیرا گشتند تا به عالم انسانی کمک نمایند تا به مرحله‌ای بالاتر و والاتر در کسب کمال و پختگی فردی و جمعی نایل آید. حضرت بهاءالله در اشاره به وضع و حال خود می‌نویسد: «قد قید جمال القدم لاطلاق العالم و حبس فی الحصن الاعظم لعنق العالمین و اختار لنفسه الاحزان لسرور من

فی الاکوان... قد قبلنا الذله لعزکم و الشدائد لرخائکم.» ۲۵  
 یعنی جمال قدم (بهاعالله) زنجیر را بر گردن خود  
 قبول کرد که شاید عالم انسانی از اسارت رهایی یابد و  
 قبول کرد در اینحصن محکم زندانی شود شاید عالم به  
 آزادی حقیقی فائز گردد. و جام غمها را تا آخرین جرعه  
 آن نوشید تا شاید ملل دنیا به سرور دائمی و نشاط  
 واقعی برسند و ذلت و سختی ها را برای عزت و رفاه و  
 آسایش اهل عالم قبول فرموده.

بیش از بیست هزار تن از علمداران دیانت جدید جهانی و  
 محبان عالم انسانی و مروجان صلح و اتحاد بینالمللی  
 از دست ظالمان و دوخیمان سیه دل جام شهادت نوشیدند و  
 در خاک و خون غلتیدند ولی با وجود این آئین بهاعالله  
 که بذرهای تمدنی جهانگیر را در کمون خود دارا  
 بود و مشعل همبستگی جهانی را در دست داشت در بیش از  
 دو بیست و سی (۲۳۰) مملکت و اقلیم جهان پیروزمندانه  
 سربرافراشت و تعالیمش چون آتشی سرکش در شرق و غرب  
 عالم زبانه کشید و در بیش از صدوشانزده هزار (۱۱۶۰۰۰)  
 شهر و روستای جهان نفوذ کرده. چنین چیزی در تاریخ  
 ادیان معتبر جهان سابقه نداشته که آئینی در عرض صد و  
 پنجاه سال از زمان آغاز ظهور با چنین سرعتی در سراسر  
 عالم پروبال بگسترانده. طبق آمار دایره المعارف  
 بریتانیکا سال ۱۹۹۲، آئین بهایی از لحاظ گسترش  
 در جهان دومین دیانت شناخته شد و بعد از مسیحیت بر  
 همه ادیان جهان پیشی گرفت و توانست در زمره‌ی

پیروان خود نفوس متعلق به بیش از دوهزار و صد (۲۱۰۰) اقلیت قومی را وارد سازد و از همه فرق و مذاهب و ادیان بزرگ مومنانی در جرگه مروجان آیین خود جذب نماید و پرچمداران این آیین یزدانی از طبقات مختلف اجتماعی متشکل باشند تا جایی که آرنولد توین بی  
 ARNOLD J. TOYNBEE . مورخ بزرگ معاصر بریتانیا  
 پیش بینی کرد که احتمالاً آیین بهاءالله دیانت  
 دنیای آینده خواهد بود. حضرت بهاءالله خود به فتح و  
 ظفر و غلبه نهایی ظهورش بر عالم گواهی می‌دهد. « اگر  
 نورش را در خشکی در زیر زمین مستور نمایند او راس  
 خود را از اواسط اقیانوس بیرون می‌آورد و ندای خود  
 را بلند می‌کند و به جهانیان اعلان می‌دارد: منم  
 حیات دهنده عالم. » (ترجمه) ۲۶

در دنیایی زندگی می‌کنیم که محاط به مسائل و مشکلات  
 بغرنج سیاسی و گرفتار نظامی اقتصادی است که با  
 نیازهای زمانه تطبیق ندارد. تعصبات جاهلیه و  
 تبعیضات نژادی روابط انسان‌ها را تلخ و کدر ساخته  
 دنیا در چنگال نقشه‌ها و توطئه‌های سیاسی مفلوک و  
 معیوب گشته و بعزت نیرنگ‌های مخفی سیاسی و استعمار  
 های غیرانسانی فاسد شده است. انحطاط اخلاقی، آشفتگی  
 اجتماعی، هرج و مرج فرهنگی و پریشانی افکار از  
 خصوصیات دنیای سقوط یافته، می‌باشد. ایدئولوژی‌ها و  
 موسسات نوپا نتوانستند دنیا را از وضع فلاکت بار آن  
 نجات دهند و در برابر سمی که مستمرا نیروی حیاتی



جامعه مایوس و پریشان را به تحلیل می‌برد، تریاقی فراهم آوردند و در نتیجه به سرخوردگی و پریشانی توده‌های مردم افزودند. عالم انسانی در آرزوی آنست که از این درد و رنج رهایی یابد و در جستجوی دستی نجات بخش است که دنیا را از این منجلابی که هر آن بیشتر در اعماق آن فرو می‌رود، نجات بخشد.

در این عصر آشفته و طوفانزده که صاحبان اندیشه‌های سیاسی، تشکیل دهندگان کنفرانس‌ها، مجامع و جلسات عالیه، سران دول که با پریشانی و یاس عدم تاثیر نقشه‌ها و برنامه‌های خود را در معالجه جامعه دردمند ملاحظه می‌کنند، مروجین و طرفداران اخلاق و معنویت که بیهودگی تلاش خود را در جلوگیری از سیر قهقرائی روحانی و سقوط اخلاقی مشاهده می‌نمایند و نیز خیرخواهان عالم که ناتوانی خود را در ریشه‌کن کردن منشاء بیماری و فساد و نیز ساختن دنیای جدید احساس می‌کنند چه مناسب است که همگی نظر خود را به ظهور بهاءالله معطوف سازند و قابلیت و توان آن را در احیاء مقدرات رو به قهقرا عالم انسانی و قدرت آن را در مقابله با نیروهای مخرب و از هم پاشنده را مطالعه و بررسی فرمایند. ظهوری که قادر است دورنمایی جدید و باشکوه در جلو دیدگان بشر مایوس مفتوح سازد و او را برای اجرای نقشه عظیم همبستگی جهانی نیرو و الهام بخشد و در انسان‌ها شور و هیجان برانگیزد و امید وایمان به‌آینده را بیافریند. در آن

صورت وقتی یک تشنج مصیبت بار جهانی را احساس می کنند دیگر خود را درمانده و مایوس نخواهند یافت و وقتی خود را در لبه پرتگاه بلیه‌ای که هر آن نزدیک می‌گردد، می‌یابند وحشت زده نخواهند شد و این احساس را پیدا نمی‌کنند که گویی خداوند خشمگین، کره خاک را به یک سرنوشت هولناک محکوم کرده و بحال خود گذاشته است. و در میان ظلمتی که بر عالم مستولی می‌شود دیگر بی‌یار و یاور بدون راهنما و بی‌بصر کورمال کورمال راه نخواهند پیمود و در لبه پرتگاه‌های وحشتناک گم کرده راه و پریشان و دردمند نخواهند بود.

آنان از دره اشباح شک و تردیدها عبور می‌کنند و به قله ارتفاعات امید و ایمان جدید صعود می‌نمایند و دورنمایی از آینده درخشان می‌بینند که در جلو دیدگان گسترده شده است. در ورای این مرحله گذرا و این ورطه پر تشنج و پرتلاطم تصویری از یک نظم جهان آرای جدید را می‌بینند که در حال تولد است و چشم‌اندازی از یک تمدن جهانی را مشاهده می‌کنند که با همه تجلیات حیات در حال شکوفایی است. آنگاه تردید نخواهند نمود که ملکوت اب آسمانی که حضرت مسیح بدان بشارت داده و همه انبیا از آن پیشگویی فرموده‌اند بالمال در عالم استقرار خواهد یافت. این بینش و ایمان جدید آنان را در تحقق و شکل‌گیری تعلیمات الهی الهام خواهد بخشید و موجب ابراز جدیت و همکاری و مساعدت آنان خواهد شد تا سهم خود را در تسریع این

روند تاریخی که در جهت حصول وحدت و اتحاد جهانی در حرکت است، ایفا نمایند. و بنوبه خود در عملکرد نیرو هائی که در حال تغییر و تبدیل ساحت غیرا از بدبختی های جنگ، فقر، درگیری و نفرت به یک خانه صلح، رفاه، اتحاد و محبت است کمک فرمایند. آنگاه کره ارض از قطب شمال تا قطب جنوب از اقصی ها الی اقصی ها محل تجلی نور پر تشعشع عدالت و جلال الهی خواهد شد.

پیش از آنکه عالم انسانی بدین مرحله شکوهمند تکامل اجتماعی و عصر طلایی مورد انتظار واصل گردد گویی باید فروریختگی نظامات فرسوده و کهنه را تجربه کرده و پشت سر گذارد که این دوره قهرا خود با درد و رنج فراوان همراه خواهد بود. بنظر میرسد که پریشانی، دردمندی و هرج و مرج ملازم با شکست نظام های اقتصادی و سیاسی که مردم جهان در سرزمین های مختلف در سراسر دنیا تجربه می کنند در این مرحله تاریخ بشر اجتناب ناپذیر می باشد. تنها همان ظلمتی که هر آن غلیظ تر می گردد و جهان را در خود فرو می برد می تواند بالمال انسان به خواب رفته را بیدار نماید و او را مصمم گرداند تا زنجیرهای معتقدات و نظریه های قشری و عقیم و بی ثمر را بگسلد و خود را برای موهبت پر شکوهی که در دسترش قرار گرفته، آماده سازد. عبور از این برزخ انتقال از نظامات کهنه میرا به یک نظام پویا دوره ای سخت است. هر چند سیستم های پیر و بی رمق در آستانه مرگ قرار دارند ولی هنوز در مقابله با نظم بدیع جهانی

مقاومتی مذبحخانه می‌کنند و از بطن خود دود و خاکستر به اطراف می‌پاشند.

ما در روزگار بد و در عین حال خوب زندگی می‌کنیم. روزگار بد از این نظر که باید عملکرد نیروهای تاریک و سیاه، که درد و رنج مصیبت بار به‌مراه دارد را تجربه کنیم. زمان خوب از این نظر که وجدانی تازه در حال زایش است و تعایل در جهت مدنیتی جدیدروز به روز قوت می‌گیرد و تعداد روزافزونی از مردم دنیا در آرزوی آنند که خورشیدی نو طلوع کند و ظلمت مستولی بر عالم را متواری سازد و بر میر انسان در جهت ساختن جامعه‌ای جهانی نور پاشد. پاسداران نظام‌های کهنه و میرنده جهان هر آن بیشتر به روش‌ها و تاکتیک‌های غیرانسانی متوسل می‌شوند تا موقعیت و منافع خود را حفظ کنند ولی در عین حال از مشاهده فوران نیروهای اسرارآمیزی که درصدد ستردن همه موانع بر سر راه جامعه جهانی است پریشان و وحشت‌زده هستند. نه می‌توانند ماهیت این نیروها را درک کنند و نه قادرند آنها را تحت کنترل آورند که بالمال کمره ارض را تبدیل خواهد کرد و جهان جهانی دیگر خواهد شد.

دنیا در آستانه یک تحول عظیم و بی سابقه قرار دارد و این نقطه عطف تاریخ بشری است. نظامات نازای سیاسی، اقتصادی و مذهبی هم اکنون بی کفایتی خود را در مقابله با خواست و نیاز زمانه نشان داده‌اند. ولی هنوز پاسداران آن نظامات سرسختانه در برابر نور

عظیمی که بر عالم اشراق کرده، مقاومت می‌کنند و از قبول عظمت و حقانیت آن امتناع می‌ورزند در صورتیکه تنها آن نور الهی می‌تواند عالم انسانی را از این وضع فلاکت‌باری که در اعماق آن سقوط کرده، نجات بخشد. تمدن عقیم احتیاجات عصر جدید را نادیده گرفته و در نتیجه آنرا به گرداب جنگ، هرج و مرج و ورشکستگی کشانده و بالطبع رنج‌های متلاشی‌شدن را نیز لمس و تجربه می‌کند. متأسفانه جریان انحطاط قهرا ادامه خواهد یافت، تضادهای درونی جامعه، مفسد آشکار و پنهان و عدم ایمان و ناباوری وسایل سقوط تمدن بی‌ثبات را فراهم خواهد آورد و در نتیجه کاخ مدنیت جدید الزاما بر روی خرابه‌های تمدن کهن بنا خواهد شد.

ظهور بهاءالله یک نظم جدید جهان آرا را در هسته خود مکنون دارد. نظم که چشمان ابناء انسانی هرگز نظیرش را ندیده و هیچ مغز متفکری تاکنون مشابه آن را در ذهن نپرورانده است. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: « قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه. » ۲۷ یعنی "نظم عالم بر اثر نفوذ و تأثیر این بزرگترین نظام بدیع جهانی به آشفتگی گراید و زندگی جهانیان بر اثر ولادت این سیستم بدیع و بی‌نظیر به انقلاب کشیده شد. آن چنان نظم که ابناء انسانی نظیرش را ندیده است." همه نظامات دنیا بر اثر ولادت این نظم بدیع جهانی که بر اثر نفعه رحمانی این ظهور

ملکوتی تکوین یافته، متزلزل و پریشان گردیده. آن چنان نظمی که قابلیت و قوای مکنون آن را هنوز در این مرحله پیشرفته در تکامل بشری نمی توان برآورد و احصا کرد و شکوه و جلال مقدر آن را تصویر نمود. از اینرو طبیعتاً عدم هماهنگی نظامات کهنه با احتیاجات زمان و عدم کارآمد آن برملا شده و در نتیجه در قلوب و افکار اندیشمندان پیشرو و خیرخواهان عالم و حتی تعداد روزافزونی از توده‌های مردم میل و اشتیاق در جهت یک نظم جدید جهانی بوجود آمده. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: « جمیع اهل ارض در این عصر در حرکتند و سبب و علت آن را نیافته اند. » ۲۸

## منابع

- ۱- نقل از " کتاب قرن بدیع " ، از انتشارات معارف بهایی بلسان فارسی، چاپ کانادا صفحه ۲۳۲-۲۳۳
- ۲- لوح مبارک سلطان ایران "موسسه ملی مطبوعات امری" چاپ طهران، صفحه ۷
- ۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، چاپ آلمان، صفحه ۱۴۱
- ۴- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صفحه ۸۳
- ۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صفحه ۱۳
- ۶- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صفحه ۱۹
- ۷- مجموعه الواح مبارک، چاپ قاهره، مصر، صفحه ۲۸۶
- ۸- مجموعه الواح مبارک، چاپ قاهره، مصر، صفحه ۲۹۱
- ۹- آثار قلم اعلی، جلد چهارم، صفحه ۲۸۲
- ۱۰- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صفحه ۱۴۲
- ۱۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، صفحه ۳۸
- ۱۲- بهاءالله و عصر جدید، نوشته دکتر اسلمنت، چاپ برزیل، صفحه ۱۶۸
- ۱۳- ترجمه از کتاب Tomorrow & Tomorrow نوشته استانوود کار، چاپ هند، صفحه ۶۰
- ۱۴- ترجمه از کتاب Proclamation of Baha'u'llah to the kings and rulers of the world چاپ حیفا، مرکز جهانی بهائی، صفحه ۷

- ۱۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، صفحه ۱۵۹ - ۱۶۰
- ۱۶- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، صفحه ۱۶۷
- ۱۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، صفحه ۱۳۹-۱۴۰
- ۱۸- مجموعه الواح مبارک ، صفحه ۲۹۲
- ۱۹- بهاءالله و عصر جدید صفحه ۱۱۹
- ۲۰- بهاءالله و عصر جدید - صفحه ۱۱۹
- ۲۱- مفاوضات عبدالبهاء ، چاپ هند ، صفحه ۱۸۲
- ۲۲- ترجمه از کتاب Baha'u'llah and the New Era  
صفحه ۱۱۴
- ۲۳- ترجمه از انگلیسی ، نقل از کتاب "مارتا روت"  
نوشته M.R.GARIS چاپ ایالات متحده آمریکا ،  
صفحه ۲۴۵
- ۲۴- مجموعه الواح مبارک ، صفحه ۳۹۱
- ۲۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، صفحه ۷۱
- ۲۶- ترجمه از کتاب "World Order of Baha'u'llah"  
چاپ آمریکا ، صفحه ۱۰۸
- ۲۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، صفحه ۹۳
- ۲۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، صفحه ۱۲۸